



دکتر پری‌ناز بنی‌سی
عضو هیأت علمی
دانشگاه آزاد اسلامی

آزمایشی نشان داد که برخلاف عقیده عمومی، نوزاد چندماهه به‌طور کامل قادر است بین تصویرهای دوبعدی و سه‌بعدی اشیاء، تمایز قائل شود، جهت‌های مختلف را در فضا تعقیب کند و بنا بر گفته‌ی «بریمر» به کمک ذهن و مغز خود، از میان چند شیء، یکی را برگزیند.

به گفته‌ی «پیاز» و «اینهلدر» کودک در نقاشی‌هایش سعی می‌کند از یک طرف، فقط چیزهایی را نشان دهد که از زاویه‌ی معینی قابل دیدن باشد و از طرف دیگر، نسبت اشیاء و اندازه و موقعیت آن‌ها در یک چهارچوب مشخص و هم‌نواخت معرفی شوند.

به‌طور معمول، کودکان در نقاشی‌هایشان در کنار آدمک، چیزهای دیگری نیز قرار می‌دهند. برای نمونه اسباب‌بازی که آدمک مجهول را به‌صورت شخصیتی آشنا برای خودشان درمی‌آورند. این خود، نشانه‌ای از پختگی آن‌هاست. دختران، بیشتر و زودتر از پسران به این درجه از رشد می‌رسند. این، نشانه‌ی زودرس بودن بلوغ عاطفی دختران است.

نیمرخ:

کودکی که در نقاشی‌هایش تصویرهای در حال حرکت را معرفی می‌کند، به‌طور معمول، فردی باهوش و فعال است. هم‌چنین از هم‌سالانش، اجتماعی‌تر می‌باشد.

برای ترسیم یک خانه، اگر داخل و خارج خانه برای او مهم باشد، هر دو قسمت را نشان می‌دهد و اگر داخل خانه برایش مهم باشد، فقط آن قسمت را بر روی کاغذ ترسیم می‌کند. بنابراین در نقاشی‌های کودکان، قسمت‌های مخفی از اشیاء و یا اشخاص که قابل دیدن نیستند، به‌وضوح و به‌طور کامل نشان داده می‌شوند.

کودکان هر چه کوچک‌تر باشند، اندازه‌ی نقاشی‌های آنان بزرگ‌تر است. ۹۳ درصد از کودکان، همیشه به‌راحتی در ورودی را می‌کشند؛ ولی فقط آنان که هوش سرشاری دارند، دستگیره هم برای در می‌گذارند.

برای کودک، تکرار یک شکل به دفعه‌های زیاد، احساس امنیت به‌وجود می‌آورد و هر بار هم که در کلاس با مشکلی برای کشیدن نقاشی مواجه می‌شود، از همان شکل تکراری که در مغز دارد استفاده می‌کند.

یک نمونه‌ی عام در مورد فراموشی، نبودن تصویر پدر در نقاشی‌هایی است که کودکان از اعضای خانواده‌ی خود می‌کشند. اگر در بعضی مواقع تصویر پدر در کنار مادر و خواهران و برادران ظاهر نشود، ممکن است به علت طولانی شدن غیبت از محیط خانواده باشد یا به این دلیل باشد که وقتی پدران دیروقت به خانه می‌رسند، گاهی وقت‌ها کودکان در خوابند و در موردهای دیگری هم پدران بعد از کار روزانه، آن قدر خسته و عصبانی هستند که حوصله‌ی حرف زدن با بچه‌ها را ندارند.

چشم‌انداز تکاملی به‌کارگیری رنگ:

بنا به‌نظر «واهنر» فقدان رنگ در تمام یا قسمتی از موضوع نقاشی کودک، نشان‌گر خلأ عاطفی و یا گاهی دلیل بر گرایش‌های ضداجتماعی است. تجربه‌های فراوان نشان داده است که کودکان سازگار در نقاشی‌هایشان به‌طور متوسط از پنج رنگ مختلف استفاده می‌کنند؛ در حالی که کودکان گوشه‌گیر، از یک یا دو رنگ بیشتر استفاده نمی‌کنند. ادامه دارد...

نگرشی نو به نقاشی کودکان

امروزه تمام روان‌شناسان تجربی متقاعد شده‌اند که رفتارهای گوناگون کودک در دوران‌های مختلف پرورش او چه به‌صورت غریزی و چه به‌صورت اکتسابی، بستگی کامل به تحولات ارثی و رشد نظام‌های مغزی او دارد. پژوهش‌های «پیاز» نشان می‌دهد که فرآیند منطقی و ادراک کودک به‌طور دقیق، ناشی از تحرک‌هایی است که در اطراف کودک وجود دارد و با تغییر آن تحرک‌ها، می‌توان این فرآیند را کند و یا تندتر نمود.

نقاشی کودک، نوعی بازی است. در تمام دوره‌ی کودکی و تا مرزهای نوجوانی، بیشتر کودکان به‌طور منظم، به مجموعه‌ای از فعالیت‌های ترسیمی می‌پردازند. بدیهی است که این فعالیت‌ها، ابزارهایی را به‌کار می‌بندند که در دیگر فعالیت‌ها به‌کار بسته می‌شوند.

حرکت‌های عضلانی و اثرگذاری بر روی کاغذ

نوزاد از آغاز تولد، لحظه‌هایی کوتاه، توجهش به حرکت‌هایی که در میدان دید او انجام می‌گیرد، جلب می‌شود. این حرکت‌ها را با چشمانش تعقیب می‌کند. کمی بعد، سرش را هم اندکی به طرف اشیاء و یا اشخاص در حال حرکت، می‌گرداند. در سه‌ماهگی او مرتب به دست‌هایش می‌نگرد و اشیاء را لمس می‌کند. از این زمان است که او تجربه‌های اساسی در جهت فعالیت‌های فکری و عاطفی خود پیدا می‌کند. در سال ۱۹۷۲ «بوور» در